

پرسش ۸۹: معنای آیهی (إِذْ قَالَ يُوسُفُ لِأَبِيهِ...)(آنگاه که یوسف به پدرش گفت....).

سؤال / ۸۹: ما معنى الآية: (إِذْ قَالَ يُوسُفُ لِأَبِيهِ يَا أَبَتِ إِنِّي رَأَيْتُ أَحَدَ عَشَرَ كَوْكَبًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ رَأَيْتُهُمْ لِي سَاجِدِينَ) ([320])؟

معنای این آیه چیست: (آنگاه که یوسف به پدرش گفت: ای پدر، در خواب یازده ستاره و خورشید و ماه را دیدم، دیدم که سجده‌ام می‌کنند). ([321])

الجواب: هذه رؤيا رآها يوسف (عليه السلام) وقد تحققت، ومعناها: الشمس والقمر، يعقوب و راحيل أم يوسف (عليه السلام)، والأحد عشر كوكباً إخوة يوسف، وسجودهم ليوسف (عليه السلام) أي إن يوسف قبلة لهم.

پاسخ: این رؤیایی بود که یوسف دید و به حقیقت پیوست، و معنایش این است که: خورشید و ماه، یعقوب و راحیل مادر یوسف (علیها السلام)، و یازده ستاره، برادران یوسف هستند. سجده‌گزاردن آنها برای یوسف (علیه السلام) به این معنا بود که یوسف قبله‌ی آنها می‌باشد.

والقبلة تقصد ويحج إليها ([322])، وقد تحقق هذا فقد قصدوا في النهاية يوسف (عليه السلام)، وحجوا إليه واستقروا معه في مصر، وبقيت ذرية يعقوب (عليه السلام) في مصر إلى أن بعث موسى (عليه السلام) وأخرجهم من مصر، هذا فيما مضى وخبر من كان قبلكم.

قبله همان چیزی است که قصدش می‌روند و به سویش حج به جا آورده می‌شود ([323])، و این موضوع محقق شد و آنها در نهایت، یوسف (علیه السلام) را قصد کردند و به سویش حج گزاردند و با او در مصر استقرار یافتند، و نسل یعقوب (علیه السلام) در مصر باقی ماند تا اینکه موسی (علیه السلام) به بعثت رسید و آنها را از مصر خارج نمود. این در مورد زمان گذشته است و خبر کسانی است که پیش از شما بوده‌اند.

أما فيما بقي، فالشمس: رسول الله محمد (صلى الله عليه وآله وسلم)، والقمر: علي (عليه السلام)، والأحد عشر كوكباً هم: فاطمة والحسن والحسين وعلي بن الحسين ومحمد بن علي وجعفر بن محمد وموسى بن جعفر وعلي بن موسى ومحمد بن علي وعلي بن محمد والحسن بن علي (عليهم السلام)، أما يوسف فهو الإمام المهدي (عليه السلام).

و اما در آنچه باقى مانده: خورشيد، پیامبر خدا محمد (صلى الله عليه وآله وسلم) است و ماه، علي (عليه السلام) می باشد. یازده ستاره نیز فاطمه، حسن، حسین، علی بن الحسین، محمد بن علی، جعفر بن محمد، موسى بن جعفر، علی بن موسى، محمد بن علی، علی بن محمد، الحسن بن علی (عليه السلام) هستند، و يوسف، امام مهدی (عليه السلام) می باشد.

وسجودهم له: أي إنه يُقصد إليه وقبلتهم التي يرومون الوصول إليها صلوات الله عليهم فهو خاتمهم، والإمام المهدي (عليه السلام) هو المنفذ لشريعة الله في أرضه، والرسول محمد (صلى الله عليه وآله وسلم) جاء بالشرعية الإسلامية ليطبقها وينفذها في النهاية الإمام المهدي (عليه السلام)، فالرسول (صلى الله عليه وآله وسلم) والإمام علي (عليه السلام) وفاطمة (عليها السلام) والأئمة (عليهم السلام) جميعهم م مهدون لدولة لا إله إلا الله التي سيقمها الإمام المهدي (عليه السلام) على الأرض، بل إنه صلوات الله عليه قبلة جميع الأنبياء والمرسلين، فجميعهم مهدوا ويمهدون لإعلاء كلمة الله، والإمام المهدي (عليه السلام) هو من سيعلي كلمة الله، فهو قبلة لهم من حيث إنه منفذ شريعة الله.

و سجودشان برای او به این معنا است که آن حضرت (عليه السلام) همان کسی است که قصد شده و همان قبله‌ی آنها است که در پی رسیدن به آن می باشند که سلام و صلوات خداوند بر همگی شان باد و او، خاتم آنها می باشد. امام مهدی (عليه السلام) جاری کننده‌ی شریعت خداوند بر زمینش می باشد و حضرت محمد (صلى الله عليه وآله وسلم) دین اسلام را آورده تا در نهایت امام مهدی (عليه السلام) آن را پیاده و جاری نماید؛ بنابراین پیامبر، امام علی، فاطمه (عليها السلام) و ائمه (عليهم السلام) همگی زمینه‌ساز حکومت لا اله الا الله هستند که امام مهدی (عليه السلام) بر روی زمین برپا خواهد نمود. حتی آن حضرت در

واقع، قبله‌ی تمام انبیا و فرستادگان (علیه السلام) می‌باشد و همگی آنها برای برافراشتن کلمه‌ی الله بسترسازی کرده و می‌کنند و امام مهدی (علیه السلام) همان کسی است که کلمه‌ی الله را برمی‌افزاید؛ پس آن حضرت (علیه السلام) از آنجا که جاری کننده‌ی شریعت الهی است، قبله‌ی آنها به شمار می‌رود.

ولا تتوهم أنّ القبلة أفضل ممن يستقبلها على الدوام، فرسول الله محمد (صلى الله عليه وآله وسلم) يستقبل الكعبة وهو أفضل منها قطعاً. وقد رآه رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم) في المعراج هو والأئمة (عليهم السلام) وقد ميزه رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم) عنهم، فقال ما معناه: وقائهم في أوسطهم وكأنه كوكب دري (324)؛ وذلك لأن نوره سيشرق على كل بقعة في الأرض وسلطانه سيهيمن على كل الأرض، قال تعالى: (وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا) (325)، ورب الأرض: هو الإمام المهدي (عليه السلام) كما ورد عنهم (عليهم السلام) (326).

چنین گمان نشود که قبله همیشه برتر از کسی است که به آن رو می‌کند. پیامبر خدا حضرت محمد (صلى الله عليه وآله وسلم) به سوی قبله می‌رود و حال آنکه قطعاً برتر از آن می‌باشد، و پیامبر خدا (صلى الله عليه وآله وسلم) در معراج، او (قائم) (علیه السلام) و ائمه را دیده و پیامبر خدا او را از میان آنها تشخیص داده است و جمله‌ای با این مضمون می‌فرماید: (و قائم آنها در میان آنها بود و گویی چون اختری درخشان بود)؛ (327) و این از آن رو است که نور آن حضرت (علیه السلام) تمام نقاط زمین را روشن خواهد کرد و حکومت او تمام زمین را به زیر سلطه در خواهد آورد. حق تعالی می‌فرماید: (و زمین به نور پروردگارش روشن شود) (328) و طبق روایاتی که از معصومین (علیه السلام) وارد شده است، پروردگار زمین، امام مهدی (علیه السلام) می‌باشد. (329)



[320] - یوسف : 4.

[321] - یوسف: 4.

[322] - مر علينا في الجزء الثاني من المتشابهات / سؤال (87) معنى القبلة وحقيقتها وما السبب وراء وجودها، فراجع.

[323] - در جلد سوم متشابهات مطرح گردید / پرسش 87: معنای قبله و واقعیت آن و علت وجودی آن.

[324] - عن أمير المؤمنين (عليه السلام) قال: (قال رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم): لما اسري بي إلى السماء أوحى إلي ربي عزوجل إلى أن قال: فقال: ارفع رأسك فرفعت رأسي وإذا أنا بأنوار علي وفاطمة والحسن والحسين، وعلي بن الحسين، ومحمد بن علي، وجعفر بن محمد، وموسى بن جعفر، وعلي بن موسى، ومحمد بن علي، وعلي بن محمد؟ والحسن بن علي، و"م ح م د" بن الحسن القائم في وسطهم كأنه كوكب دري، قلت: يا رب ومن هؤلاء؟ قال: هؤلاء الأئمة وهذا القائم الذي يحل حلاله ويحرم حرامه وبه أنتقم من أعدائي، وهو راحة لأوليائي، وهو الذي يشفي قلوب شيعتك من الظالمين والجاحدين والكافرين) كمال الدين وتمام النعمة : ص 252.

[325] - الزمر : 69.

[326] - عن أبي عبد الله (عليه السلام)، قال: (إذا قام قائمنا أشرقت الأرض بنور ربها، واستغنى العباد عن ضوء الشمس ونور القمر وذهبت الظلمة) الإرشاد للشيخ المفيد : ص 363.

وعن المفضل بن عمر أنه سمع أبا عبد الله (عليه السلام) يقول في قوله: " وأشرقت الأرض بنور ربها " قال: (رب الأرض يعني إمام الأرض، فقلت: فإذا خرج يكون ماذا؟ قال: إذاً يستغني الناس عن ضوء الشمس ونور القمر، ويجتزون بنور الامام) تفسير القمي : ج 2 ص 253.

[327] - از امير المؤمنين ع روایت شده است که فرمود: (رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم) فرمود: وقتی مرا به آسمان بردند خداوند عزوجل به من فرمود: تا آنجا که فرمود: خداوند عزوجل فرمود: سرت را بلند کن. سرم را بالا گرفتم و خود را در برابر انوار علی، فاطمه، حسن، حسین، علی بن الحسین، محمد بن علی، جعفر بن محمد، موسی بن جعفر، علی بن موسی، محمد بن علی، علی بن محمد، حسن بن علی و «م ح م د» بن الحسن قائم که در وسط آنها همچون ستاره‌ای درخشان بود دیدم. عرض کردم: پروردگارا! اینان چه کسانی هستند؟ فرمود: اینها امامان هستند و این قائمی است که حلالم را حلال و حرامم را حرام می‌کند و با او از دشمنانم انتقام می‌گیرم. او آرامش و آسودگی اولیای من است و او همان کسی است قلب‌های شیعیان تو را از ظالمان، منکران و کافران بهبود می‌دهد....). کمال الدين و تمام النعمة: ص 252.

[328] - زمر: 69.

[329] - از ابو عبد الله (عليه السلام) روایت شده است که فرمود: (هنگامی که قائم ما قیام کند زمین با نور پروردگارش روشن می‌شود و بندگان از نور خورشید و نور ماه بی‌نیاز می‌شوند و ظلمت می‌رود). ارشاد شیخ مفید: ص 363.